



هوالجمیل

مدتی این مثنوی تأخیر شد

پس از چاپ دومین شماره از فصلنامه دزدی، در روزهایی که روند کار شماره سوم و چهارم - یکجا - شتاب می‌گرفت، سردبیر مجله جناب استاد سیدابوطالب مظفری و همچنین محمدجواد خاوری و محمدشریف سعیدی از اعضای هیأت تحریریه، طی سفر فرهنگی به افغانستان رفتند. شتاب و فشار سنگین کار دو شماره بر دوش دو - سه تن از همکاران باقی ماند. روندی که باید طی می‌شد با همت دوستان دنبال شد و اینک هرچند با تأخیر خدمت شما تقدیم می‌گردد.

□

درمندان باید گفت که ساختار اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی کشور ما دچار بحران و فروپاشی است. در این ساختار ناسالم و فروریخته، پویش فرهنگی و هنری در راستای جامعه‌ی همسخن و همزیست دشوار می‌نماید و اگر صورت انجام بگیرد از عجایب و نوادر عالم خلقت به شمار می‌رود. حلقه‌های میراث ماندگار فرهنگ و تمدن ما - با تمام شکوه تاریخی اش - از هم گسسته و وارثان آن در گوشه گوشه‌ی جهان پراکنده‌اند. نقطه‌ی اتصال و وفاق این حلقات کم شده کار عمیق و ژرف اندیشانه‌ی فرهنگی است تا، توان و تلاش نیروهای خردورز و خلاق در بستر سالم فرهنگی و بدور از شایبه‌های قومی، نژادی و منطقه‌ای برای ایجاد جامعه‌ی همسخن و دگر اندیش پذیر، بکار گرفته شود. در این راستا دزدی می‌خواهد بستری باشد برای افزایش خرد سیاسی - فرهنگی و اجتماعی و تحقق یافتن جامعه‌ای سالم و با شاخصه‌های دیگر پذیری، اما همسخن و مدرن. از همین رو تلاش می‌ورزد تا از آراء، اندیشه و آفرینشهای فرهنگی و هنری‌ای انسان مدار، خردگرا و روشنی‌بخش از هر قلمرو و فرهنگی که باشد، بهره ببرد.

بخش عمده‌ای از این دو شماره فصلنامه را حرف و حدیث هنرهای تجسمی شکل بخشیده است. هنر شرقی و هنر اسلامی زیباترین شیوه‌ی نمایش روح انسان شرقی و جلوه و جمال حضرت باری است. خوشنویسی اسلامی، نقاشی، مینیاتور و این روزها طراحی، گرافیک و همچنین گرایشهایی چون تذهیب، طرحهای اسلیمی در معماری اسلامی و... دل مشغولی و محصول عرق‌ریزی روح انسانهایی است که در بستر یک روح لطیف، دین‌مدارانه و دارای نبوغ و بلوغ شرقی به سامان رسانده می‌شود. روشن است که گوشه گوشه‌ای از ملک و فرد فرد ملت ما برخوردار از این مایه‌های هنری، و کوشا در این طریق دل پسند، می‌باشند. اما در وضعیت بحران خیز و نابسامان جامعه‌ی ما دست یافتن به تمام خلاقیتها و آفریده‌های هنرمندان ما و کشف و بسط این مقوله‌ی هنری کاری است بسیار دشوار و حدیثی است بسیار بلند. بنابراین نمی‌توان با اشراف و در بستر گسترده‌تر کار را دنبال کرد. نکته‌ی شایسته‌ی گفت دیگر این است که ریشه‌های مقدس و چشمه‌ی جوشان هنر اسلامی و ملی ما در داخل کشور در حال خشک شدن است و شکوه و افتخارات گذشته رو به نابودی. کورسوی چراغی و رمقی اگر دیده می‌شود در ذهن و ضمیر هنرمندان و فرهیختگانی است که از دستبرد فجایع و حوادث داخل کشور دور مانده و یا در عالم غربت به پاسداری و روشن نگهداشتن این نور معنوی و ملی پای می‌فشارند. ناکفته نگذیریم که از سرنوشت و زندگی هنرمندانی که در چنبره‌ی حوادث کنونی در داخل کشور، گرفتارند هیچ آگاهی نداریم معترفیم که نقد و نظر اهل هنر و فرهنگ نسبت به این مقوله‌ها ما را در روشنی بخشیدن بیشتر به این چراغ نیمه‌جان یاری خواهد کرد.

نکته آخر این که نسیم باد نوروزی مشام طبیعت را بر آشفته، رنگ سبز بهار را جلا بخشیده و روزگار نو را به ارمغان می‌آورد. به این امید که سال نو، سال فرخندگی و عزت و آرامش برای مردم ما باشد، پدیده‌ی زیبایی بهار را به شما تبریک می‌گوییم. سبز باشید!

هیأت تحریریه

